

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۲/۰۹

حنیف رهیاب رحیمی

مسجد به جای مکتب!



در سرخط رسانه ها، شبکه های اجتماعی و در گفتگوهای روزمره مردم چیزفهم کشور درین چند روز اخیر مضمون دلچسپی جای گرفته و آن بخاطر اعلامیه اخیر وزارت معارف کشور است که تصمیم شانرا مبنی بر اینکه شاگردان از صنف اول الی صنف سوم در مساجد درس بخوانند اعلام کردند...

پس از موج انتقادات و تمسخر که بر این تصمیم کودکانه و غیر عملی وارد آمد، بزودی آن وزارت به اشتباه شان پی برده و تغییری در آن آورد که گویا این تصمیم در مناطقی که کودکان به مکاتب دسترسی ندارند، تطبیق گردد. اگر کنجکاو شویم و بخواهیم بدانیم که این تصمیم چرا و چگونه گرفته شده، لازم است چند قدم به عقب برگردیم و برای لحظاتی سری بزنیم به ولسی جرگه، جریان مجلس آنروز پارلمان را ببینیم که بانو رنگینه حمیدی نامزد وزیر معارف، برنامه کاری اش را برای اخذ رأی اعتماد به مجلس ارائه می نمود:

فضای ولسی جرگه: آشفته معلوم می شود، اکثر وکلا که در بالاخانه های شان بجز ریش و پکول چیز دیگری در ذره بین هم یافت نمی شود، ناراض اند و انتظار می کشند که این وزیر صاحب معارف که معینیت تعلیمات اسلامی را از تشکیل وزارت معارف حذف نموده یکبار بباید که همایش تصفیة حساب کنند.

وزیر صاحب برنامه کاری اش را با ذکر یک حدیث صحیح مسلم شروع کرد که خودش هم معنی و هدفش را چندان نفهمید. بعد در باره نارسایی ها و نواقص موجود در وزارت صحبت کرده گفت: درین وزارت ۹ قسم معاش موجود است. ۲۷۰ هزار کارمند دارد و ۵ هزار آن در کابل تشریف دارند. او همچنان به گونه خوشخبری گفت که ۷۵ میلیون دالر کمک جامعه جهانی را که از ۵ سال به اینطرف در بودجه آن وزارت خو بود یعنی راکد مانده بود، الحمدالله برای چاپ کتب درسی به فعالیت افتیده.

اما همینکه از تشکیل بورد عالی اجرائیوی اسلامی یاد نمود، اعتراضات وکلا شروع شد و به جان چند وکیل که از طرف رئیس پارلمان بنام های مولوی صاحب، قوماندان صاحب، وکیل صاحب و... یاد می شدند آتش در گرفت و

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولی

دیگر باسن به کرسی نزدند و مانند اشخاص مصاب به پیچش دل در روی صحن پارلمان هی قدم می زدند و بالای وزیر صاحب دندان می خائیدند.

جای نظم و دسپلین پارلمانی را هرج و مرج، چیغ زدن ها و داد و فریادهایی که درست فهمیده نمی شد چه می گویند فرا گرفته و وزیر صاحب فریاد می زند که کاکا ها، ماما ها، پدران، برادران وکیل صاحبان... من برای خدمت به اسلام اینجا آمده ام... اما تو گویی این سخنان به گوش چند لندغر که مانند مینیجر میدان سگ جنگی پائین و بالا می رفتند، هیچ اثر نداشت. حتی وزیر صاحب وعده کرد که پنج کتاب، سیرت النبی، کیمیای سعادت و سایر کتابهای دینی را در نصاب مکاتب اضافه می کند، تعداد مدرسه ها و دارالحفاظ را زیاد می سازد... اما سناتورهای این نمایندگان ملت تصمیم شانرا گرفته بودند و پیهم اعتراض می کردند. حق هم داشتند زیرا با کم شدن معینیت تعلیمات اسلامی اسلام به خطر افتاده بود.....!

این بحث تا همین اندازه کافیهست. اما وزیر صاحب پس از اینکه رأی وکلا را بدست آورده نتوانست به مجردی که داخل دفترش در عمارت وزارت معارف داخل شد، بخاطر بدست آوردن دل وکلا که برایش رأی ندادند، فوراً این اعلامیه را صادر کرد که شاگردان باید سه سال اول را در مساجد نزد ملا ها درس بخوانند.

این تصمیم نمی دانم به نظر وزارت معارف چقدر معقولیت و تا چه حد جنبه عملی دارد زیرا تا حال هیچ ارگان دولتی و یا اشخاص انفرادی آنرا کار آدم هوشیار و عاقل نخوانده است و از جانب هیچ مرجعی مورد تائید قرار نگرفته. تنها ارگ در مورد تا حال چیزی نگفته و دلیل آن شاید ناشی از بی نظمی و بی برنامگی های داخل ارگ باشد که عقل شان در مورد قد نمی دهد.

حقیقت اینست که در سرتاسر افغانستان شاید به مشکل پنج مسجد را بتوان پیدا کرد که در آن صنف درسی، تشناب و امکانات کافی برای استفاده از آن منحیت مکتب وجود داشته باشد. در ثانی به حیثیت ملا صاحب ها بر نخورد ما در کشور خود با قلت شدید ملای تحصیل یافته مواجه هستیم. اکثر ملا های ما از تعالیم خیلی ابتدائی برخوردار هستند که به درد تدریس یک شاگرد مکتب نمی خورند. نباید نادیده گرفت که در صنوف اول الی سوم کودکان در سن آغاز آموزش قرار دارند و تهداب از همینجا گذاشته می شود. اگر این سه سال در کنار ملا ها در مساجد بدون تدریس درست به هدر برود، نقیصه بزرگی در روند تعلیمی زندگی کودکان کشور پدید می آید که جبران کردن آن در سنین بعدی خیلی مشکل خواهد بود.

چه بهتر است که وزارت معارف ازین تصمیم ناسنجیده یکدم منصرف شوند زیرا این پلانی که اکنون رویدست گرفته شده، به سادگی می توان گفت که اگر بجای بانو حمیدی، وزیر معارف یک عضو گروه طالب می بود همینگونه تصمیم کودکانه می گرفت.

یک بانویی که عمرش را در کشور پیشرفته ای چون ایالات متحده آمریکا سپری نموده باید چنان تحولات و تغییراتی را در سیستم معارف کشور می آورد که در ظرف یکی دو سال یک انقلاب تعلیمی را برپا می کرد. اما او از بس ناتوان و بیچاره بود در حین اعلام برنامه کاری اش چندین بار مجبور شد که از شعار مشهور الله اکبر هم کار بگیرد و ده دقیقه وقتش را ضایع بسازد تا مسلمان بودنش را به وکلا ثابت کند.

نمی دانم وزیر صاحب چرا این موضوع را درک نکرده بود که اینگونه بی خریطه فیر کردن ها و بازی با سرنوشت کودکان در گرفتن رأی اعتماد کمک نمی کند، حالا دیگر دیر شد و جریان رأی اعتماد دوباره تکرار نمی گردد به ناحق خلق خدا را بالای خود به خنده واداشت.

آنچه که در گرفتن رأی اعتماد وکلا زیاد مهم و عمده است مسایل دیگر است که همه از آن بخوبی باخبر اند.

والسلام